



رویکردی فرارشته‌ای به مواجهه خود و دیگری: عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پذیرش زبان ترجمه در جامعه مقصد

محمد رضا رضائیان دلویی^۱

چکیده

ترجمه رمزگان سومی است که بر اثر مواجهه رمزگان مبدأ و مقصد (خود و دیگری) شکل می‌گیرد. رمزگان سوم، در بردارنده هر دو رمزگان مبدأ و مقصد است؛ ولی مستقل از هر دوست و استانداردهای خاصی دارد. این رمزگان نموده‌های گوناگونی دارد و ممکن است از هنجارهای کاربردی زبان مقصد یا نظام قواعد آن دور شود. هدف از این مقاله مفهومی، تعیین و تبیین عوامل مؤثر در شکل‌گیری رمزگان سوم و سپس پذیرش آن در متون ترجمه‌شده در جامعه مقصد است. نتایج نشان می‌دهد در نمود این رمزگان در ترجمه و پذیرش آن در جامعه مقصد، طیف گسترده‌ای از عوامل زبان‌شناختی، پیرایزبانی، فردی، روان‌شناختی، سیاسی و جامعه‌شناختی تأثیرگذارند. این عوامل در هشت دسته کلی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: شأن زبان مقصد در مقایسه با زبان مبدأ، جایگاه ترجمه و مترجم در جامعه مقصد، نقش مترجم، نقش خواننده، نقش ویراستار، نقش پیرامتن و فرامتن، هدف ترجمه و سیاست‌های نشر.

واژه‌های کلیدی: زبان ترجمه، پذیرش زبان ترجمه، رمزگان سوم، متون ترجمه‌شده، شأن زبان، جایگاه ترجمه و مترجم

^۱ استادیار مطالعات ترجمه، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران mrrezaeiand@birjand.ac.ir

۱. مقدمه

عناصر و ساخت زبان‌ها به روش مستقیم و غیرمستقیم به یکدیگر منتقل می‌شود و ترجمه یکی از روش‌های انتقال غیرمستقیم است؛ اما تأثیر زبان‌ها بر یکدیگر در مقایسه با تأثیر متن و زبان مبدأ بر ترجمه، کندتر و تدریجی‌تر است و چندان نظام‌مند نیست (Mcenery & Xiao 2008: 25).

ترجمه رمزگان سومی^۱ است که بر اثر مواجهه رمزگان مبدأ و مقصد (خود و دیگری) شکل می‌گیرد (Frawley 1984: 169). این مواجهه سبب می‌شود در ترجمه‌ها، صورت‌ها و ساختارهایی مشاهده شود که در غیرترجمه‌ها یافت نمی‌شوند یا فراوانی و الگوی متفاوتی دارند (Touy 1995: 207-208). متن و زبان مبدأ در سطوح واژگانی، نحوی، فرهنگی و ساختاری بر متن مقصد تأثیر می‌گذارد (Franco Aixelá 2009: 75)؛ این تأثیر در همه ترجمه‌ها کم‌وبیش یافت می‌شود (Touy 1995: 275).

زبان ترجمه ممکن است از نظام قواعد زبان مقصد یا از هنجارهای کاربردی آن دور شود. در حالت اول، ترجمه ساخت‌هایی دارد که اساساً در زبان مقصد نیست (Tirkkonen-Condit 2002: 214)؛ در حالت دوم، اگرچه واژه‌ها و ترکیبات و ساختارهای ترجمه به لحاظ معنایی و دستوری درست است و قواعد زبان مقصد را نقض نمی‌کند، ترجمه غیرطبیعی است (Schäffner & Adab 1997: 334). نکته مهم اینکه نقض قواعد زبان مقصد در ترجمه‌ها بسیار کم‌بسامدتر از نادیده‌گرفتن هنجارهای کاربردی آن است (Øverås 1998: 4)؛ اما این تمایز آن‌چنان روشن نیست و گاه تشخیص آنچه در زبان مقصد پذیرفتنی است و آنچه ناپذیرفتنی است دشوار به نظر می‌رسد (Mau-ranen 2004: 72).

«رمزگان سوم» مستقل و فراتر از هر دو رمزگان مبدأ و مقصد است و ویژگی‌های خاصی دارد. این مفهوم دیدگاه ارزیابانه و ارزش‌داورانه به ترجمه ندارد و بنابراین با «ترجمه‌گونگی^۲» که معنای ضمنی منفی دارد متفاوت است (Gellerstam 2005: 213). اگر ترجمه تحت‌اللفظی متن مبدأ، معنا را مبهم یا اشتباه منتقل کند، مترجم کاربرد رایج زبان مقصد را ناآگاهانه نادیده بگیرد (Newmark 1991: 78)، دانش کافی در زبان مقصد نداشته باشد (Baker 1993: 249)، یا متن مبدأ را نادرست درک کند (Kujamäki 2004: 188)، با ترجمه‌گونگی مواجهیم؛ بنابراین، رمزگان سوم، ناشی از بی‌دقتی و پسندهای شخصی مترجم و تقلید آگاهانه وی از متن مبدأ نیست؛ بلکه نتیجه طبیعی فرایند ترجمه و مواجهه دو زبان و فرهنگ (بیگانه و خودی) در مفهوم کلی آن است.

رمزگان سوم در ترجمه از طریق ورود صورت‌های نحوی، واژگانی، عناصر فرهنگی و مفاهیم زبان مبدأ؛ قرض‌گیری؛ گره‌برداری؛ ترجمه تحت‌اللفظی؛ دشواری در خوانش متن؛ ساختارهای نامأنوس و همایندهای غیرطبیعی؛ الگوهای ساخت جمله

¹ third code

² translationese

و ساخت اطلاعی جمله متفاوت با متون زبان مقصد؛ توزیع و بسامد متفاوت ویژگی‌های زبانی در مقایسه با متون زبان مقصد و رمزآمیزی، رمزگردانی، پانوشتها، حاشیه‌نویسی‌ها و افزوده‌های درون‌متنی نمود می‌یابد و ترجمه را به متنی التقاطی با ویژگی‌های زبانی خاص تبدیل می‌کند. با این حال، برخی از این ویژگی‌ها علاوه بر عوامل متعدد دیگر، به زبان مبدأ و زبان مقصد و سویگی ترجمه، وابسته است.

ترکیبات، ساختارها و قواعد زبان مبدأ ممکن است به تدریج در ترجمه‌ها جای بگیرند و با گسترش ارتباطات، حذف مرز بین زبان‌ها، خواندن ترجمه‌ها و نقل قول از ترجمه‌ها در نوشته‌های غیرترجمه‌ای، وارد گفتار و نوشتار کاربران زبان مقصد شوند و عادت‌های زبانی‌شان را تغییر دهند. نمونه بارز این تغییرات را می‌توان در گرده‌بردای واژگانی (ترجمه جزء به جزء ترکیب یا عبارت بیگانه به فارسی)، گرده‌بردای نحوی (پیروی از الگوی زبان بیگانه در ترجمه یا ساختار جمله فارسی) و گرده‌بردای معنایی (تعمیم‌دادن یکی از معانی واژه بیگانه به دیگر معانی آن در فارسی) در انواع گوناگون متون ترجمه‌ای و غیرترجمه‌ای دید. به علاوه، با افزایش تعداد ترجمه‌ها، احتمال تحمل غیرطبیعی بودن زبان ترجمه توسط خوانندگان مقصد بیشتر (Chesterman 2003: 225; 2004a: 45-46) و این زبان خاص در جامعه مقصد نهادینه می‌شود (Toury 1995: 208). از طرف دیگر، از آنجا که انسان‌ها و فرهنگ‌ها و متون، بیش از گذشته، متکثر و چندزبانه شده‌اند (Simon 1996: 152, 156-157)، تمایز بین «خود» و «دیگری» و در نتیجه، تمایز بین ترجمه و غیرترجمه کم‌رنگ شده است (Neubert 2001: 185, 201)؛ بنابراین، نگارش غیرترجمه‌ای، نوعی «نگارش مرزی» و «نگارش در منطقه تماس» است و در واقع، ترجمه پلی بین جهان‌هایی است که خودشان از قبل متکثر و ترجمه‌ای بوده‌اند؛ در نتیجه، وسعت ترجمه بسیار گسترده‌تر از مفهوم سنتی آن است؛ از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم «رمزگان سوم» خاص ترجمه نیست و درباره هر نوع نگارشی قابل بررسی است.

۲. هدف، روش و ضرورت پژوهش

شکل‌گیری رمزگان سوم در ترجمه و پذیرش آن در جامعه مقصد، وابسته به عوامل متعدد است و هدف این پژوهش، بررسی این عوامل است. روش پژوهش مفهومی است. پژوهش مفهومی مبتنی بر مفاهیم و استدلال است و هدف آن تعریف و تبیین مفاهیم، تفسیر یا بازتفسیر ایده‌ها، ارائه مدل، برقراری ارتباط بین مفاهیم و معرفی مفاهیم یا استعاره‌های جدید با هدف درک بهتر موضوع است (Williams & Chesterman 2002: 58-59). ابتدا، با جستجوی گسترده در پایگاه‌های اطلاعاتی، منابع مرتبط با زبان ترجمه و رمزگان سوم و دیگر مفاهیم مرتبط از قبیل هنجارهای

ترجمه^۱، التقاط^۲، جهانی‌های ترجمه^۳، تداخل^۴ و ترجمه‌گونگی انتخاب شد. پس از مطالعه و تحلیل عمیق منابع و بررسی دیدگاه صاحب‌نظران، عوامل تأثیرگذار بر ماهیت این زبان و پذیرش آن استخراج شد. این معیارها در چند مرحله، دسته‌بندی و بازنگری شد و مدل مفهومی آن‌ها به دست آمد. برای اعتبارسنجی مدل پیشنهادی و مؤلفه‌های آن و دوری از ذهنیت‌مبنایی، از نظر متخصصان استفاده شد. بدین منظور، مدل به پنج نفر از استادان مطالعات ترجمه ارائه شد و پس از نظرسنجی از آن‌ها، تعدادی از این معیارها حذف و اضافه و تلفیق و ابهامات برطرف شد. در نهایت، مدل مفهومی دارای هشت مؤلفه به دست آمد. هدف از این بخش از پژوهش، عینیت‌بخشی و تعیین اعتبار مدل مفهومی بر اساس نظر متخصصان بود.

همان‌گونه که پیشتر بیان شد، هدف از پژوهش مفهومی، تفسیر و بازتفسیر مفاهیم و ارائه مدل یا دسته‌بندی به منظور فهم بهتر پدیده‌هاست؛ بنابراین، فهم پدیده ترجمه و زبان خاص آن و پذیرش آن در جامعه مقصد مستلزم درک نحوه مواجهه زبان مبدأ و زبان مقصد (خود و دیگری) و مفهوم «رمزگان سوم» در ترجمه است. ضروری است مشخص شود چه عواملی در شکل‌گیری این رمزگان تأثیر دارند، میزان حضور زبان و متن مبدأ در متن ترجمه متأثر از چه عواملی است و پذیرش این رمزگان در زبان سوم به چه عواملی وابسته است. تا آنجا که پژوهشگر در پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی جستجو کرده است، تاکنون پژوهشی به بررسی مفهوم رمزگان سوم و مدل مفهومی عوامل مؤثر در شکل‌گیری و پذیرش آن در جامعه مقصد نپرداخته است و بنابراین، پژوهش حاضر دارای نوآوری است. در ادامه، این عوامل بیان و تحلیل می‌شوند. توضیح اینکه ترتیب مؤلفه‌های ارائه‌شده، بر اساس اهمیت یا میزان تأثیرگذاری آن‌ها نیست.

۳. عوامل مؤثر در شکل‌گیری رمزگان سوم و پذیرش آن

۳-۱. شأن نسبی زبان مبدأ و زبان مقصد

زبان‌ها سطوح گوناگونی از تحمل میزان هنجارگریزی ترجمه‌ها از متون غیرترجمه‌ای و هنجارهای زبان مقصد را نشان می‌دهند (Chesterman 2004: 46) و «آستانه تحمل» شان یکسان نیست (Touy 1999: 21). جوامع توسعه‌یافته و قدرتمند، تمایل کمتری به پذیرش عناصر بیگانه و ناآشنا دارند؛ زیرا ممکن است با هنجارهای زبانی و غیرزبانی‌شان منطبق نباشد. حضور عناصر و ساخت بیگانه در ترجمه ممکن است سبب شود خواننده ترجمه را نپذیرد و نخواند؛ حتی اگر ضرورت آن را احساس

¹ norms

² hybridity

³ universals

⁴ interference

کند (Schäffner & Adab 2001b: 286). در نتیجه، فرهنگ‌های مسلط تمایل دارند متونی را که از زبان‌ها و فرهنگ‌های اقلیت و فرودست ترجمه می‌کنند، بومی‌سازی کنند.

در مقابل، فرهنگ‌های غیرمسلط و فرودست در ترجمه از فرهنگ‌های غالب، ممکن است آگاهانه یا ناآگاهانه بیگانگی متون مبدأ را بیشتر حفظ کنند (Klinger 2015: 75). اگر شأن نسبی زبان و فرهنگ مبدأ بیشتر از زبان و فرهنگ مقصد باشد، تمایز بین ترجمه‌ها و غیرترجمه‌ها و هنجارگریزی ترجمه‌ها به مراتب بیشتر است (Toury 1995: 208; Zauberga 2001: 265, 269). زبان مقصد ممکن است در برابر این هنجارگریزی مقاومت نشان دهد؛ اما قدرت و تسلط زبان مبدأ این مقاومت را خنثی می‌کند؛ برای مثال، ونوتی در کتاب *ناپیدایی مترجم*^۱ (۱۹۹۵) توضیح می‌دهد در آمریکا و بریتانیا، تمایل به تولید ترجمه‌های روان بسیار زیاد است؛ زیرا به علت سلطه و حس خودشیفتگی، این کشورها، تمایل دارند ترجمه‌ها را به گونه‌ای تولید کنند که هرگونه رنگ و بوی بیگانه، از ترجمه‌ها حذف شود و خودی فرهنگ خودش را در فرهنگ دیگری یا بیگانه ببیند. نتیجه این می‌شود که ترجمه‌ها مانند تألیفات می‌شوند و فرهنگ و ارزش‌های زبان مقصد بر زبان مبدأ و ترجمه تحمیل می‌شود؛ زیرا فرهنگ خودی پذیرای دیگری نیست. بنابراین، در این کشورها، به لحاظ تاریخی، تعداد ترجمه‌ها همواره کمتر از تألیفات بوده است (Venuti 1995: 12-18). البته این استدلال ممکن است برای همه متون درست نباشد؛ مثلاً اعتبار متون فلسفی در آلمان یا نظریات انتقادی در فرانسه احتمال تحمل تداخل در ترجمه این متون را در انگلستان و آمریکا — که در حالت کلی تمایل به بومی‌کردن ترجمه‌ها دارند — بیشتر می‌کند (Baker 1999: 289-290).

پیشینه تاریخی، حضور مؤثر در تعاملات جهانی و قدرت سیاسی یا اقتصادی، جزو عوامل تعیین‌کننده شأن و اقتدار زبان است. با این حال هیچ‌کدام از این عوامل به تنهایی مؤثر نیست و الگوهای تأثیرگذاری به مراتب پیچیده‌تر هستند (Even-Zohar 2005: 63). به علاوه، مفاهیم شأن و فرادستی و فرودستی نسبی است و اینکه فرهنگی فرادست باشد یا فرودست، ممکن است مستقیماً نقشی در تأثیرپذیری ترجمه از زبان مبدأ نداشته باشد و عوامل زبانی و غیرزبانی متعدد دیگری تأثیرگذار است (Zauberga 2001: 269)؛ مثلاً برنامه‌ریزی زبانی و نقش فرهنگستان‌های زبان و ادب فارسی یا دیگر نهادهای قدرت، تأثیر تعیین‌کننده‌ای در این زمینه دارد.

۳-۲. جایگاه ترجمه و مترجم در جامعه مقصد

نه تنها خود ترجمه‌ها، بلکه عمل و حرفه ترجمه و مترجم نیز — از نظر قرارگرفتن در مرکز و حاشیه و نیاز جامعه و تصویری که عامه مردم از آن‌ها دارند — جایگاه مشخصی دارند (Toury 1991: 183). هرچه جایگاه ترجمه و مترجم در جامعه مقصد

^۱ *The Translator's Invisibility*

حاشیه‌ای تر باشد، ترجمه‌ها با الگوهای زبان مقصد منطبق‌تر می‌شوند و هرچه این جایگاه مرکزی‌تر باشد، احتمال اینکه ترجمه‌ها از این الگوها فاصله بگیرند و هنجارشکنی کنند بیشتر است (Pym 2008: 325; Toury 1995: 271)؛ به گونه‌ای که حتی هنجارگریزی در سطوح واژه‌ها و نحو نیز گاهی مجاز و پذیرفتنی می‌شود (Toury 1985b: 6-7).

اگرچه، به لحاظ تاریخی، ترجمه‌ها معمولاً جایگاه حاشیه‌ای در نظام ادبی چندگانه زبان مقصد دارند که علت آن ناپیدایی تاریخی مترجمان و برتری مؤلف و تألیف در مقایسه با مترجم و مؤلف بوده است؛ چنانچه جایگاه مرکزی داشته باشند، تمایز بین ترجمه‌ها و غیرترجمه‌ها کم‌رنگ و ترجمه ابزاری نوآور برای ورود مدل‌ها، انواع ادبی و الگوهای جدید به زبان مقصد می‌شود. در مقابل، اگر ادبیات ترجمه‌شده جایگاه حاشیه‌ای داشته باشد، ترجمه ابزاری محافظه‌کار برای حفظ وضع موجود می‌شود و توان نوآوری و رقابت با متون غیرترجمه‌ای زبان مقصد را از دست می‌دهد (Even-Zohar 1990: 49).

اظهارنظرهای بدبینانه درباره ترجمه ممکن است تصویر تحریف‌شده‌ای از ترجمه و مترجم به جامعه نشان دهد (Chesterman 2004: 38). چنانچه عامه مردم تصور کنند ترجمه‌ها پر از ایراد و نامفهوم است و مترجم را فردی بدانند که کنشگری چندانی ندارد، مترجم نیز به ناچار تأثیر می‌پذیرد (Duff 1981: 124). کاسکینن (Koskinen 2010: 23-25) از گسترش مفهومی با نام «مطالعات عمومی ترجمه» سخن می‌گوید که در اثر آن، درک عامه مردم از ترجمه ارتقا می‌یابد. با گسترش این نوع از مطالعات ترجمه، اهداف و ارزش‌های ترجمه و مطالعات ترجمه و جایگاه آن برای افرادی که از بیرون به آن می‌نگرند (اعم از مخاطبان دانشگاهی و غیردانشگاهی) مشخص و پیدایی و اعتبار رشته در دید مخاطب بیشتر می‌شود. به نظر می‌رسد تخصصی‌سازی بیشتر ترجمه و مطالعات ترجمه (مثلاً از طریق توسعه دوره‌های تحصیلات تکمیلی، برگزاری نشست‌ها، همایش‌ها، سخنرانی‌ها، دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، افزایش تعداد سازمان‌های مرتبط با آموزش و پژوهش و ارائه خدمات ترجمه) نقش مهمی در ارتقای شأن و جایگاه ترجمه و مترجمان و توانمندسازی آن‌ها دارد. بدین ترتیب «هنجارهای انتظار» جامعه از ترجمه (Chesterman 1997) نیز ارتقا می‌یابد و گفتمان ترجمه و مترجم تغییر می‌کند؛ بنابراین، پذیرش رمزگان سوم در جامعه مقصد آسان‌تر می‌شود و ترجمه به یکی از اهداف اصلی خود که نوآوری زبانی و مفهومی در جامعه مقصد است، دست می‌یابد.

آنچه در این بخش بیان شد و توضیحات مربوط به شأن نسبی زبان مبدأ و زبان مقصد ممکن است متناقض به نظر برسد؛ مثلاً زبان مقصد ممکن است شأن و اقتدار بیشتری از زبان مبدأ داشته باشد و در عین حال ترجمه و مترجم در فرهنگ مقصد، جایگاه برتر داشته باشند. عکس این حالت نیز ممکن است. وزن نسبی این دو عامل نیز در جوامع یکسان نیست؛ بنابراین، این دو عامل و عوامل دیگری که

در ادامه بیان می‌شوند در کنار یکدیگر رمزگان سوم ترجمه و پذیرش آن را تعیین می‌کنند. ذکر این نکته ضروری است که جایگاه ترجمه و مترجم و شأن زبان‌ها مفاهیمی نسبی است و در دوره‌های تاریخی گوناگون در کشور واحد نیز متفاوت بوده است.

۳-۳. نقش مترجم

سطح توانش و تجربه مترجم و واحد ترجمه انتخابی بر میزان حضور زبان و فرهنگ مبدأ در ترجمه تأثیرگذار است؛ به گونه‌ای که مترجمان با توانش و تجربه کمتر، بیشتر تحت تأثیر زبان و متن مبدأ قرار می‌گیرند. در مقابل، مترجمان باتجربه‌تر و حرفه‌ای ممکن است آسان‌تر از مترجمان مبتدی و تازه‌کار هنجارهای غالب زبان مقصد را زیر پا بگذارند و با خطرپذیری، در زبان مقصد نوآوری کنند (Touy 1999: 28)؛ البته هدف ترجمه نیز ممکن است سبب شود مترجم، ترجمه را با واردکردن بیگانگی متن مبدأ به زبان و فرهنگ مقصد، به متنی التقاطی تبدیل کند (Neu- bert 2001: 181; Zauberga 2001: 265). ملیت و ایدئولوژی مترجم نیز در میزان تأثیر زبان مبدأ بر ترجمه نقش دارد؛ مثلاً در برخی از ترجمه‌های عبری به عربی، اغلب مترجمان یهودی‌ای که متولد کشورهای عرب‌زبان بودند، به فرهنگ عبری احساس تعلق می‌کردند و بنابراین می‌کوشیدند تداخل عبری را در ترجمه‌های خود نشان دهند. برعکس، ایدئولوژی برخی از مترجمان دیگر و ضدیت با اسرائیل و ایدئولوژی صهیونیسم، سبب کاهش تداخل در برخی دیگر از ترجمه‌های عبری - عربی می‌شد (Kayyal 2008: 37, 45). شهرت مترجم در جامعه مقصد نیز بر پذیرش زبان ترجمه تأثیر می‌گذارد؛ به گونه‌ای که خوانندگان زبان مقصد ممکن است غیرطبیعی بودن ترجمه را از جانب مترجم شناخته‌شده، آسان‌تر بپذیرند.

۳-۴. نقش خواننده

به نظر توری (Touy 1985a: 22-23; 1995: 70)، خوانندگان جامعه مقصد ترجمه را به سه طریق از غیرترجمه تمیز می‌دهند: ۱. به صراحت ذکرشده که متن ترجمه است (مثلاً اسم مترجم روی جلد کتاب آمده است)، ۲. متن، مشخصه‌های زبانی خاصی دارد که مختص متون ترجمه‌ای زبان مقصد است و ۳. خواننده از وجود متنی در فرهنگ و زبانی دیگر (یعنی متن مبدأ) آگاه است.

به نظر می‌رسد سه عامل دانش خواننده، انتظارات وی و فهم ترجمه توسط وی، در نحوه مواجهه او با این رمزگان مؤثر است. ترجمه و غیرترجمه را می‌توان بر مبنای مشخصه‌های زبانی و غیرزبانی تفکیک کرد. اگرچه ویژگی‌های غیرزبانی (از قبیل عناصر فرهنگی، اسامی خاص، تلمیحات و نقل قول‌ها) توسط خوانندگان عادی قابل تشخیص است، مشخصه‌های زبانی معمولاً توسط متخصصان قابل تشخیص

است (Tirkkonen-Conditt 2002: 209-210). با این حال، از آنجا که این ویژگی‌ها در طیفی از نموده‌های کاملاً عینی تا کاملاً ذهنی قرار می‌گیرند، تشخیص آن‌ها سطوح گوناگون دشواری و آسانی را دربردارد.

همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، زبان ترجمه ممکن است از نظام قواعد زبان مقصد یا هنجارهای کاربردی آن دور شود. به نظر می‌رسد که تشخیص حالت اول برای خواننده آسان‌تر از حالت دوم باشد. به علاوه، بین درک ترجمه توسط خواننده‌ای که زبان مبدأ را می‌داند و خواننده‌ای که زبان مبدأ را نمی‌داند تفاوت است (Frawley 1984: 162-163). درباره‌ی دانش زبان مقصد، به نظر چسترمن (Ches-terman 2004: 38)، غیربومیان زبان مقصد و به نظر توری (Tourey 1995: 214-215)، خوانندگان غیرمتخصص زبان مقصد نمی‌توانند دوربودن ترجمه را از هنجارهای زبان مقصد به آسانی درک کنند. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین معیاری که برای چنین خوانندگانی مهم است فهم معنای متن است و بنابراین اگر نیازشان برطرف شود، ممکن است به ویژگی‌های زبانی و غیرزبانی ترجمه توجهی نکنند؛ یعنی واکنش خود را به ترجمه، محدود به سطوح ریز متن نکنند؛ بلکه فهم کلی را در نظر بگیرند (Neubert 2001: 184). اما ونوتی (Venuti 2009: 170-171) با استفاده از مفهوم «خواننده نمونه» اکو، خواننده را به اتخاذ رویکرد خوانش ترجمه‌محور تشویق می‌کند. در این نوع خوانش، خواننده نه تنها دانش زبان مبدأ و مقصد را دارد؛ بلکه متن مبدأ و مقصد را مقایسه و با دانش ادبی و فرهنگی خود، روابط بینامتنی متون مبدأ و مقصد را تحلیل می‌کند. چنین خواننده‌ای صرفاً در جستجوی درک معنا نیست؛ بلکه بر جنبه‌های صوری ترجمه در سطوح واژگانی و نحوی و سبکی و گفتمانی تکیه می‌کند؛ حتی اگر کلمه یا عبارت بیگانه‌ای در متن نباشد که به صراحت نشان‌دهنده حضور رمزگان سوم باشد.

انتظارات خواننده از ترجمه نیز در نحوه مواجهه او با رمزگان سوم ترجمه و پذیرش یا رد آن اثرگذار است. معمولاً انتظارات خواننده از ترجمه، یا متأثر از فهم وی از خود ترجمه است و یا متأثر از متون دیگری (اعم از تألیف و ترجمه) که در زبان مقصد می‌خواند و معیار سنجش و مقایسه قرار می‌دهد. این انتظارات از زمانی به زمان دیگر و در بین فرهنگ‌ها متفاوت است (Chesterman 1993: 12). بحث چسترمن درباره هنجارهای انتظار، مرتبط با انتظارات خواننده از ترجمه است. به نظر وی، تاریخ و سنت ترجمه در هر زبان و فرهنگی سبب می‌شود خواننده انتظاراتی از ترجمه و تفاوتش با غیرترجمه داشته باشد، که این انتظارات در سطوح نحوی، معنایی و کاربردشناختی ظهور می‌یابد. به باور وی، انتظارات خواننده از ترجمه زیاد نیست و تقصیر نیز متوجه خود مترجمان است که همواره کیفیت نامناسب بسیاری از ترجمه‌ها را نقد می‌کنند و این خود، مانع ارتقای انتظارات عامه مردم از ترجمه است. اگر عامه مردم با حجم فراوان ترجمه‌های با کیفیت پایین مواجه شوند، ممکن است همه ترجمه‌ها را غلط و پُر ایراد بدانند و انتظارات و استانداردهایشان

پایین بیاید. حتی در برخی فرهنگ‌ها، ترجمه‌های نهان (یعنی ترجمه‌های روان و طبیعی در زبان مقصد) ممکن است شک خواننده را برانگیزد و مترجم، متهم به آزادی بیش از حد و بی‌دقتی در ترجمه شود (1997: 65)؛ البته به‌مرور زمان و با رشد تعداد ترجمه‌ها و کم‌رنگ‌شدن تمایز ترجمه و غیرترجمه، غیرطبیعی بودن برای خواننده نهادینه می‌شود، قدرت تحمل او بیشتر و حساسیتش کمتر می‌شود؛ البته طبیعی است که باز هم جوامع در این زمینه یکسان عمل نکنند (Chesterman 2004: 45-46).

یکی از دیگر عوامل مؤثر در مواجهه خواننده با رمزگان سوم و پذیرش آن، فهم ترجمه است. توری (1995: 28) بر این باور است که هنجارگریزی ترجمه لزوماً خواننده زبان مقصد را آشفته نمی‌کند. حال پرسش اینجاست که خواننده چگونه می‌تواند متنی را درک کند که رمزگان سوم در آن حضور کم‌وبیش دارد. طبیعی است که اگر ترجمه بیش از حد به هنجارهای مبدأ نزدیک باشد، درک آن برای خواننده دشوار شود و تمایلی به خواندن آن نداشته باشد؛ زیرا در این حالت، ترجمه وارد جامعه مقصد نمی‌شود؛ بلکه، به زبانی مصنوعی که وجود خارجی ندارد، به آن تحمیل می‌شود (Gommlisch & Erdim 2001: 239; Toury 1995: 60). این دشواری در درک مطلب هنگامی بیشتر می‌شود که خواننده از زبان مبدأ هیچ چیزی نداند (Toury 1985b: 9).

مترجم باید سطح دانش خوانندگان احتمالی را در نظر گیرد. مخاطب ترجمه معمولاً همه جامعه مقصد نیست؛ بلکه گروه خاصی در آن است (Schäffner & Adab 2001a: 171). و با توجه به آن، حد نزدیکی رمزگان سوم را به رمزگان مبدأ تعیین کند و به هر حال، خواننده باید ترغیب به خواندن ترجمه شود. مترجم می‌تواند بیگانگی ترجمه را تا زمانی که همچنان متن برای خواننده قابل درک است، افزایش دهد (Gommlisch & Erdim 2001: 238-239, 243). با این حال، آشنایی خواننده با زبان مبدأ تأثیر فراوانی در تحمل خوانش‌پذیری اندک ترجمه دارد؛ بنابراین مترجم از ابتدا باید تصمیم بگیرد که آیا مخاطب ترجمه، خواننده‌های معمولی و عامه مردم هستند و یا قشر تحصیل‌کرده و نخبه. چنانچه مخاطب ترجمه، گروه اول باشند، بیگانه‌کردن بیش از حد ترجمه، ممکن است سبب کاهش تعداد خوانندگان آن شود. همچنین، برای مثال، درک متون التقاطی پسااستعماری که در فضایی بینابینی هستند مستلزم خواننده‌ای دوزبانه است که این فضای بینابینی را درک کرده است تا بتواند ترجمه‌ناپذیرها را درک کند و از عهده فرایند پیوسته ترجمه ذهنی و زنجیره نامتناهی دلالت‌ها برآید (Mehrez 1992: 124-135)؛ بنابراین مترجمان می‌توانند با واردکردن متن و زبان مبدأ در متن مقصد، امکان آشنایی با زبان و فرهنگ مبدأ و ارتقای درک و دانش خوانندگان مقصد را فراهم کنند؛ ولی باید هم‌زمان به دانش مورد انتظار از خواننده توجه کنند؛ زیرا همه خوانندگان نمی‌توانند ترجمه‌هایی را درک کنند که فرهنگ زبان مبدأ در آن‌ها حفظ شده است (Levý 1963/2011: 70-71; Neubert & Shreve 1992: 120). در مقابل، ترجمه‌ای شفاف که مشابه متون غیرترجمه‌ای زبان و

فرهنگ مقصد است و متن مبدأ را پنهان می‌کند، مانع مواجهه خواننده مقصد با بیگانه و درک او و در نتیجه درک بهتر خود می‌شود (Laiho 2013: 124).

با این حال، باید به این نکته توجه کرد که گاه واکنش خواننده بیشتر از آنکه ارتباطی با ملاحظات زبان‌شناختی داشته باشد، متأثر از ملاحظات سیاسی، عقیدتی و ملی است (Schäffner & Adab 1997: 336)؛ مثلاً بررسی تاریخ ترجمه در ژاپن نشان می‌دهد به علت اینکه ترجمه‌خواندن نشان جایگاه اجتماعی بالا بود، خوانندگان ترجمه‌ها این ضرورت را احساس می‌کردند که سوادشان را با فراگرفتن ساختارها و واژه‌ها و مشخصه‌های متنی ترجمه‌ها ارتقا بخشند که خود منجر به تحمل بیشتر غیرطبیعی بودن ترجمه‌ها می‌شد و خوانندگان ژاپنی در مقایسه با بومیان کانادا یا آمریکا، غیرطبیعی بودن ترجمه‌ها را بیشتر تحمل می‌کردند (Meldrum 2009: 96).

۳-۵. نقش ویراستار

در فرایند ترجمه، معنا از طریق متن مبدأ به ذهن مترجم می‌آید و دو زبان مبدأ و مقصد، همزمان در ذهن مترجم، فعال می‌شوند؛ بنابراین، مترجم ممکن است در متن مبدأ غرق شود و از آنجا که معنا را دریافته است، نتواند خود را در جایگاه خواننده‌ای قرار دهد که زبان مبدأ را نمی‌داند و قرار است ترجمه را بخواند. فرایند ترجمه اساساً تحت‌اللفظی پیش می‌رود؛ بنابراین اگر مترجم احساس کند ترجمه اولیه‌اش معنادار است و هنجارهای زبان مقصد را نقض نمی‌کند، دلیلی برای تغییر آن نمی‌بیند. به‌علاوه، ریسک‌گریزی مترجم و زمانی که در اختیار دارد و حق‌الزحمه‌ای که می‌گیرد نیز سبب می‌شود مترجم آسان‌ترین راه را انتخاب کند (Tirkkonen-Condit 2004: 182-183). اما در فرایند ویرایش ترجمه، بخشی از محدودیت‌های توان پردازش ذهن مترجم جبران می‌شود و ویراستار در مقام خواننده ترجمه به آن می‌نگرد. ویراستار سعی می‌کند تداخل متن مبدأ را کم‌رنگ کند و تأثیر رمزگان مبدأ را بر رمزگان سوم بزداید. از جنبه اقتصاد ترجمه، کنی (Kenny 1998: 518) بر این باور است که شاید از آنجا که ویراستاران از جایگاه متزلزل متون ترجمه‌ای در بازار نشر مطلع هستند، گاه هماینها و اصطلاحات غیرطبیعی‌ای را که مترجمان آگاهانه استفاده کرده‌اند، برنمی‌تابند و ترجمه را طبیعی و مشابه هنجارهای زبان مقصد می‌کنند. گاه این ویرایش حتی بدون مشورت با مترجم یا مقایسه ترجمه و اصل آن انجام می‌شود (Sturrock 2010: 53). طبیعی است که نقش ویرایش در جوامعی مهم‌تر باشد که حساسیت بیشتری به محصول ترجمه دارند (Tourey 2004: 24-25).

با این حال، همان‌گونه که در جوامع دوزبانه، دوزبانه‌ها ممکن است بیشتر از افراد یک‌زبانه‌ای که همان زبان را صحبت می‌کنند، به کاربرد واژه‌های بیگانه (حتی واژه‌های جاافتاده) حساس باشند، مترجمان نیز بیشتر از غیرمترجمان ریسک‌گریز و

محافظه‌کارند و دیدگاه‌های سخت‌گیرانه‌تری درباره فساد زبانی و درست و غلط در زبان دارند و ممکن است به سره‌گرایی افراطی و هنجارهای زبانی منسوخ روی بیاورند؛ اما همین مترجم وقتی ترجمه نمی‌کند، ممکن است چنین هنجارهایی را رعایت نکند (Lanštyák & Heltai 2012: 108-109)؛ بنابراین، واژه‌های بیگانه‌ای که به‌طور طبیعی در غیرترجمه‌ها استفاده می‌شوند ممکن است در ترجمه‌ها استفاده نشوند (Balaskó 2008: 71).

۳-۶. نقش پیرامتن و فرامتن

ممکن است مترجم از ابزارهای پیرامنتی (مقدمه، پانوشت، پی‌نوشت، توضیح درون‌متنی و حاشیه‌نویسی) و فرامنتی (مصاحبه، نقد، شرکت در نشست‌ها، یادداشت‌های مطبوعاتی و نگارش مقالات) برای تبیین و توجیه زبان خاص مورد استفاده در متن و آماده کردن مخاطب برای پذیرش تخطی ترجمه از هنجارهای مقصد و نقض انتظارات و پیش‌فرض‌های او استفاده کند. این نوع از ابزارهای در اختیار مترجم، پذیرش زبان متن ترجمه‌شده را برای خواننده آسان‌تر می‌کند (Schäffner 2010: 238؛ Venuti 2009: 159). استفاده از توضیحات پیرامنتی یا فرامنتی، بیگانگی متن ترجمه را به کلی حذف نمی‌کند؛ بلکه آن را کاهش می‌دهد و سبب کم‌شدن مقاومت خواننده برای پذیرش متن می‌شود و درواقع، بیگانگی آن را می‌پذیرد (Klinger 2015: 152). با این حال، از این ابزارها باید با احتیاط استفاده شود تا تأثیر ترجمه بر مخاطب کم نشود.

۳-۷. هدف ترجمه

چنانچه بخواهیم علم و جامعه پیشرفت کند، آنچه تألیف و ترجمه می‌شود باید هدف‌مند باشد و درواقع، کمبودی را جبران کند؛ بنابراین، اصل اول ترجمه، بررسی نیاز و تعیین هدف است؛ یعنی، بدون نیازسنجی و بی‌هدف و صرفاً برای افزایش شمارگان کتاب یا کسب امتیاز یا رزومه‌سازی ترجمه صورت نگیرد؛ بلکه ترجمه شکافی را در جامعه مقصد پر کند (ملانظر ۱۳۹۱). هدف از ترجمه و نیاز جامعه مقصد به آن و نقش آن در جامعه، تأثیر فراوانی در پذیرش زبان ترجمه دارد؛ بنابراین، مواجهه و واکنش و پذیرش خواننده، وابسته به این است که ترجمه از بیرون تحمیل شده یا در درون جامعه به آن نیاز است (Schäffner & Adab 1997: 325)؛ بنابراین، هرچه ترجمه هدف‌مندتر و نیاز جامعه مقصد به آن بیشتر و نقش آن پررنگ‌تر باشد، پذیرش رمزگان سوم و غیرطبیعی بودن ترجمه برای خواننده آسان‌تر می‌شود؛ البته نباید از نظر دور داشت که گاه فشار سیاسی و عقیدتی سبب پذیرش ترجمه می‌شود (Schäffner & Adab 1997: 328).

۳-۸. سیاست‌های نشر

موفقیت اقتصادی ترجمه در بازار و پذیرش آن ارتباط نزدیکی با همگونی و جذب آن در زبان مقصد دارد و مترجمان، ویراستاران و ناشران از اهمیت این موضوع آگاه هستند (Kenny 1998: 518). اصول انتخاب متون برای ترجمه در جامعه مقصد نیز همواره هماهنگ با سایر زیرنظام‌های ادبیات مقصد؛ از قبیل زیرنظام سیاسی و اقتصادی است (Chang 2010: 259; 46: 1990 Even-Zohar). ناشران معمولاً تمایل ندارند ترجمه‌هایی را چاپ کنند که روان نیستند و حضور رمزگان مبدأ در آن‌ها برجسته و بنابراین رمزگان سومشان بسیار مشهود است؛ زیرا هرچه ترجمه بیشتر در زبان مقصد جذب و همانند متون غیرترجمه‌ای شود، احتمال موفقیت اقتصادی آن بیشتر می‌شود (Franco Aixelá 2009: 77)؛ بنابراین مترجمان ممکن است تحت فشار اجتماعی دست به ترجمه و تولید متونی روان بزنند که توجه مخاطب را به خود زبان جلب نمی‌کنند (Baker 2004: 173). به همین علت است که ناشران در انگلستان و آمریکا ترجیح می‌دهند بومی‌گرایی را در ترجمه بیشتر کنند تا سودآوری ترجمه بیشتر شود؛ اگرچه تعداد ترجمه‌ها در این کشورها بسیار اندک است و سهم بسیار کمی از بازار نشر را تشکیل می‌دهد (Venuti 1995: 16). با این حال، به نظر می‌رسد در کشور ایران، در عمل، بسیاری از ترجمه‌هایی که به دست ناشران چاپ می‌شوند، چنین مشخصه‌ای ندارند.

۴. نتیجه

مواجهه زبان مبدأ و زبان مقصد در فرایند ترجمه، منجر به ظهور زبان جدیدی به نام رمزگان سوم می‌شود که دارای ویژگی‌های خاصی است (متفاوت با مبدأ و مقصد) و در متن ترجمه‌ای نیز بازنمودهای متفاوتی دارد. عوامل زبانی، فرهنگی، فردی، روان‌شناختی، سیاسی و جامعه‌شناختی متعددی در شکل‌گیری و پذیرش این زبان خاص در جامعه مقصد تأثیرگذار است. دانش خواننده از زبان مبدأ و مقصد و انتظارات وی از ترجمه در کنار جایگاه ترجمه و مترجم و سیاست‌های نشر در جامعه مقصد و شأن نسبی دو زبان در مقایسه با یکدیگر، جزو مهم‌ترین این عوامل است. به‌علاوه، دانش، تجربه، سن و ایدئولوژی مترجم نیز در شکل‌گیری این رمزگان نقش مهمی دارد. مترجم می‌تواند با تبیین زبان خاص ترجمه در پیرامتن و فرامتن (از قبیل مصاحبه‌ها و پانوشت‌ها و مقدمه و افزوده‌های درون‌متنی)، ذهن مخاطب را برای مواجهه با این رمزگان آماده‌تر کند. ویرایش ترجمه نیز سبب می‌شود تأثیر رمزگان مبدأ در رمزگان سوم، کم و رمزگان سوم به رمزگان مقصد نزدیک شود.

شأن بیشتر زبان مقصد در مقایسه با زبان مبدأ ممکن است میزان حضور رمزگان مبدأ را در رمزگان سوم کم کند. فرهنگ‌های دارای سلطه، ممکن است به ورود عناصر بیگانه در ترجمه از زبان‌های جوامع فرودست مقاومت نشان دهند. با این حال، شأن و قدرت مترجم در جامعه مقصد، ممکن است باعث بروز بیشتر این رمزگان خاص شود؛ به‌گونه‌ای که مترجم می‌تواند با ورود عناصر زبان مبدأ

به زبان مقصد، در آن نوآوری کند؛ البته سیاست‌های نشر ممکن است مانع چاپ کتاب‌هایی غیرروان شوند که حضور رمزگان سوم در آن‌ها پررنگ است و با قواعد یا هنجارهای زبان مقصد سازگار نیست. دانش خوانندگان زبان مقصد، نیاز آن‌ها به ترجمه، انتظاراتشان و فهم ترجمه نیز بر نحوه مواجهه با این رمزگان و پذیرش آن تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، مواجهه خواننده متخصص و زبان‌دان، متفاوت با مواجهه عامه مردم یا خواننده غیرمتخصص است.

با این حال، همان‌گونه که پیشتر ذکر شد، با گسترش مفهوم ترجمه و تکثر و کدرشدن مرز بین ترجمه و غیرترجمه و خود و دیگری، مفهوم رمزگان سوم درباره غیرترجمه‌ها هم مصداق پیدا می‌کند؛ بنابراین، چه بسا بتوان مدل مفهومی عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و پذیرش رمزگان سوم را به متون غیرترجمه‌ای زبان مقصد نیز تعمیم داد. بسیاری از مفاهیمی که در این جستار مطرح شد ماهیت نسبی دارد (از رمزگان سوم گرفته تا جایگاه ترجمه و مترجم و شأن زبان و آنچه در جامعه مقصد به لحاظ زبانی و غیرزبانی پذیرفته است) و بنابراین، مباحث نیز مطلق نیست. پیشنهاد می‌شود با انجام پژوهش‌های داده‌بنیاد (مثلاً بررسی ترجمه‌ها) این عوامل بررسی، نقد و وزن هر کدام تعیین شود.

منابع

- ملانظر، حسین (۲۰ تیر ۱۳۹۱). «آسیب‌شناسی ترجمه در ایران در گفت‌وگو با مدیر گروه مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه علامه طباطبائی: بدون نیازسنجی و بی‌هدف ترجمه می‌کنیم.» *روزنامه ایران*. ۲۰ تیر ۱۳۹۱. ص ۱۲.
- Baker, Mona (1993). "Corpus Linguistics and Translation Studies: Implications and Applications" in *Text and Technology: In Honor of John Sinclair*. Edited by Mona Baker, Gill Francis & Elena Tognini-Bonelli. Amsterdam: John Benjamins.
- Baker, Mona (1999). "The Role of Corpora in Investigating the Linguistic Behavior of Professional Translators." *International Journal of Corpus Linguistics*. Vol. 4, Issue 2. 281–298.
- Baker, Mona (2004). "A Corpus-Based View of Similarity and Difference in Translation." *International Journal of Corpus Linguistics*. Vol. 9, Issue 2. 167–193. <https://doi: 10.1075/ijcl.9.2.02bak>
- Balaskó, Maria (2008). "What Does the Figure Show? Patterns of Translationese in a Hungarian Comparable Corpus." *trans-kom*. Vol. 1, Issue 1. 58–73.
- Chang, Nam Fung (2010). "Polysystem Theory and Translation" in *Handbook of Translation Studies*. Vol. 1). Edited by Yves Gambier & Luc van Doorslaer. Amsterdam: John Benjamins.
- Chesterman, Andrew (1993). "From 'Is' to 'Ought': Laws, Norms and Strategies in Translation Studies." *Target*. Vol. 5, Issue 1. 1–20. <https://doi: 10.1075/target.5.1.02che>
- Chesterman, Andrew (1997). *Memes of Translation: The Spread of Ideas in Translation Theory*. Amsterdam: John Benjamins.
- Chesterman, Andrew (2004). "Beyond the Particular" in *Translation Universals: Do They Exist?* Edited by Anna Mauranen & Pekka Kujamäki. Amsterdam: John Benjamins.
- Duff, Alan (1981). *The Third Language: Recurrent Problems of Translation into English*. Oxford: Pergamon Press.
- Even-Zohar, Itamar (1990). "The Position of Translated Literature Within the Literary Polysystem." *Poetics Today*. Vol. 11, Issue 1. 45–51.
- Even-Zohar, Itamar (2005). "Laws of Cultural Interference" in *Papers in Culture*

Research. Unit of Culture Research.” Retrieved from http://www.tau.ac.il/~itamarezz/works/books/EZ-CR-2005_2010.pdf

- Franco Aixelá, Javier (2009). “An Overview of Interference in Scientific and Technical Translation.” *The Journal of Specialized Translation*. Issue 11. 75–88.
- Frawley, William (1984). “Prolegomenon to a Theory of Translation” in *Translation: Literary, Linguistic, and Philosophical Perspectives*. Edited by William Frawley. Newark: University of Delaware Press.
- Gellerstam, Martin (2005). “Fingerprints in Translation” in *In and Out of English: For Better, for Worse*. Edited by Gunilla Anderman & Margaret Rogers. Clevedon: Multilingual Matters.
- Gommlich, Klaus & Esim Erdim (2001). “Evolving Imagery in the Translation of Orhan Pamuk’s Kara Kitap.” *Across Languages and Cultures*. Vol. 2, Issue 2. 237–249. [https://doi: 10.1556/Acr.2.2001.2.7](https://doi.org/10.1556/Acr.2.2001.2.7)
- Kayyal, Mahmoud (2008). “Interference of the Hebrew Language in Translations from Modern Hebrew Literature into Arabic” in *Beyond Descriptive Translation Studies: Investigations in Homage to Gideon Toury*. Edited by Anthony Pym, Miriam Shlesinger & Daniel Simeoni. Amsterdam: John Benjamins.
- Kenny, Dorothy (1998). “Creatures of Habit: What Translators Usually Do with Words.” *Meta: Translators’ Journal*. Vol. 43, Issue 4. 515–523. [https://doi: 10.7202/003302ar](https://doi.org/10.7202/003302ar)
- Klinger, Susanne (2015). *Translation and Linguistic Hybridity: Constructing World-View*. Abingdon: Routledge.
- Koskinen, Kaisa (2010). “What Matters to Translation Studies” in *Why Translation Studies Matters*. Edited by Daniel Gile, Gyde Hansen & Nike K. Pokorn. Amsterdam: John Benjamins.
- Kujamäki, Pekka (2004). “What Happens to ‘Unique Items’ in Learners’ Translations? ‘Theories’ and ‘Concepts’ as a Challenge for Novices’ Views on Good Translation” in *Translation Universals: Do They Exist?* Edited by Anna Mauranen & Pekka Kujamäki. Amsterdam: John Benjamins.
- Laiho, Leena (2013). “Original and Translation” in *Handbook of Translation Studies* (Volume 4). Edited by Yves Gambier & Luc van Doorslaer. Amsterdam: John Benjamins.

- Lanštyák, István & Pál Heltai (2012). “Universals in Language Contact and Translation.” *Across Languages and Cultures*. Vol. 13, Issue 1. 99–121. [https://doi: 10.1556/Acr.13.2012.1.6](https://doi.org/10.1556/Acr.13.2012.1.6)
- Levý, Jiří (2011). *The Art of Translation* (Translated by Patrick Corness). Amsterdam: John Benjamins.
- Mauranen, Anna (2004). “Corpora, Universals and Interference” in *Translation Universals: Do They Exist?* Edited by Anna Mauranen & Pekka Kujamäki. Amsterdam: John Benjamins.
- Mcenery, Tony & Richard Xiao (2008). “Parallel and Comparable Corpora: What Is Happening?” in *Incorporating Corpora: The Linguist and the Translator*. Edited by Gunilla Anderman & Margaret Rogers. Clevedon: Multilingual Matters.
- Mehrez, Samia (1992). “Translation and the Postcolonial Experience: The Francophone North African Text” in *Rethinking Translation: Discourse, Subjectivity, Ideology*. Edited by Lawrence Venuti. London: Routledge.
- Meldrum, Yukari Fukuchi (2009). “Translationese in Japanese Literary Translation.” *TTR: traduction, terminologie, redaction*. Vol. 22, Issue 1. 93–118. [https://doi: 10.7202/044783ar](https://doi.org/10.7202/044783ar)
- Neubert, Albrecht (2001). “Some Implications of Regarding Translations as Hybrid Texts.” *Across Languages and Cultures*. Vol 2, Issue 2. 181–193. [https://doi: 10.1556/Acr.2.2001.2.2](https://doi.org/10.1556/Acr.2.2001.2.2)
- Neubert, Albrecht & Gregory M. Shreve (1992). *Translation as Text*. Kent State University Press.
- Newmark, Peter (1991). *About Translation*. Clevedon: Multilingual Matters.
- Øverås, Linn (1998). “In Search of the Third Code: An Investigation of Norms in Literary Translation.” *Meta: Translators’ Journal*. Vol. 43, Issue 4. 1–20. [https://doi: 10.7202/003775ar](https://doi.org/10.7202/003775ar)
- Pym, Anthony (2008). “On Toury’s Laws of How Translators Translate” in *Beyond Descriptive Translation Studies: Investigations in Homage to Gideon Toury*. Edited by Anthony Pym, Miriam Shlesinger & Daniel Simeoni. Amsterdam: John Benjamins.
- Schäffner, Christina (2010). Norms of Translation in *Handbook of Translation Studies*. Vol.1. Edited by Yves Gambier & Luc van Doorslaer. Amsterdam: John Benjamins.

- Schäffner, Christina & Beverly Adab (1997). "Translation as Intercultural Communication—Contact as Conflict" in *Translation as Intercultural Communication: Selected Papers from the EST Congress, Prague 1995*. Edited by Mary Snell-Hornby, Zuzana Jettmarová & Klaus Kaindl. Amsterdam: John Benjamins.
- Schäffner, Christina & Beverly Adab (2001a). "The Idea of the Hybrid Text in Translation: Contact as Conflict." *Across Languages and Cultures*. Vol. 2, Issue 2. 167–180. [https://doi: 10.1556/Acr.2.2001.2.1](https://doi.org/10.1556/Acr.2.2001.2.1)
- Schäffner, Christina & Beverly Adab (2001b). "The Idea of the Hybrid Text in Translation Revisited." *Across Languages and Cultures*. Vol. 2, Issue 2. 277–302. [https://doi: 10.1556/Acr.2.2001.2.11](https://doi.org/10.1556/Acr.2.2001.2.11)
- Simon, Sherry (1996). *Gender in Translation: Cultural Identity and the Politics of Transmission*. London: Routledge.
- Sturrock, John (2010). "Writing Between the Lines: The Language of Translation" in *Critical Readings in Translation Studies*. Edited by Mona Baker. Abingdon: Routledge.
- Tak-Hung Chan, Leo (2001). "Cultural Hybridity and the Translated Text: Re-reading D. H. Lawrence in Chinese." *Across Languages and Cultures*. Vol. 2, Issue 1. 73–85. [https://doi: 10.1556/Acr.2.2001.1.5](https://doi.org/10.1556/Acr.2.2001.1.5)
- Tirkkonen-Condit, Sonja (2002). "Translationese—A Myth or an Empirical Fact? A Study into the Linguistic Identifiability of Translated Language." *Target*. Vol. 14, Issue 2. 207–220. [https://doi: 10.1075/target.14.2.02tir](https://doi.org/10.1075/target.14.2.02tir)
- Toury, Gideon (1985a). "A Rationale for Descriptive Translation Studies" in *The Manipulation of Literature: Studies in Literary Translation*. Edited by Theo Hermans. Abingdon: Routledge.
- Toury, Gideon (1985b). "Aspects of Translating into Minority Languages from the Point of View of Translation Studies." *Multilingua*. Vol. 4, Issue 1. 3–10. [https://doi: 10.1515/mult.1985.4.1.3](https://doi.org/10.1515/mult.1985.4.1.3)
- Toury, Gideon (1991). "What Are Descriptive Studies into Translation Likely to Yield Apart from Isolated Descriptions" in *Translation Studies: The State of the Art (Proceedings of the first James S. Holmes symposium on translation studies)*. Edited by Kitty M. van Leuven-Zwart & Ton Naaijken. Amsterdam: Rodopi.

-
- Toury, Gideon (1995). *Descriptive Translation Studies and Beyond*. Amsterdam: John Benjamins.
- Toury, Gideon (1999). “A Handful of Paragraphs on ‘Translation’ and ‘Norms’” in *Translation and Norms*. Edited by Christina Schäffner. Clevedon: Multilingual Matters.
- Toury, Gideon (2004). “Probabilistic Explanations in Translation Studies: Universals — or a Challenge to the Very Concept?” in *Claims, Changes and Challenges in Translation Studies*. Edited by Gyde Hansen, Kirsten Malmkjær & Daniel Gile. Amsterdam: John Benjamins.
- Venuti, Lawrence (1995). *The Translator’s Invisibility: A History of Translation*. London: Routledge.
- Venuti, Lawrence (2009). “Translation, Intertextuality, Interpretation.” *Romance Studies*. Vol. 27, Issue 3. 157–173. [https://doi: 10.1179/174581509X455169](https://doi.org/10.1179/174581509X455169)
- Williams, Jenny, & Andrew Chesterman (2002). *The Map: A Beginner’s Guide to Doing Research in Translation Studies*. Manchester: St. Jerome.
- Zauberga, Ieva (2001). “Discourse Interference in Translation.” *Across Languages and Cultures*. Vol. 2, Issue 2. 265–276. [https://doi: 10.1556/Acr.2.2001.2.10](https://doi.org/10.1556/Acr.2.2001.2.10)

A Transdisciplinary Approach to Confrontation Between Self and Other: Factors Influencing the Emergence and Acceptance of Translational Language in Target Language

Mohammad Reza Rezaeian Delouei¹

Abstract

A translated text emerges as a third code via the source code being confronted by the target code (i.e. the confrontation between Self and Other). The third code included both source and target codes, but establishes itself as a separate code with specific standards. The third code has numerous manifestations and may deviate either from TL system or from TL norms of usage. The purpose of the present conceptual research was to identify and explain the factors influencing third code and its acceptance in target language translations. The results indicate that in the presentation and acceptance of this new code in translations and its acceptance in the target culture, a range of linguistic, paralinguistic, psychological, political, and sociological factors have a role. The factors are categorized and summarized under eight main areas: the status of SL and TL, the status of translators and translation in the TL community, the role of translators, the role of readers, the role of editors, the role of paratextual and extratextual factors, the purpose of translation, and publishing policies in the TL.

Keywords: translational language, the acceptance of translational language, third code, translations, the status of language, the status translation and translators

¹ Assistant Professor of Translation Studies, English Language Department, University of Birjand, Birjand, Iran mrezaeind@birjand.ac.ir

